

حریم خصوصی در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این بدان جهت است که حیثیت و اعتبار انسان در حوزه فردی و همچنین در بین کسانی که با او در حوزه عمومی زیست می‌کنند، نزد خداوند اهمیت بالایی دارد. خداوند متعال برای آنکه جامعه را در مسیری قرار دهد که روابط انسانی خالی از هرگونه تضاد و درگیری بوده و در جهت وفاق اجتماعی گام بردارند، رعایت حریم خصوصی افراد را در قالب دستورات اخلاقی و احکام دینی بر پیامبران خود وحی نموده تا آن را به گوش مردمان برسانند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای توصیفی سعی کرده است به سؤالات مطرح شده در ارتباط با ارزش و اهمیت حریم خصوصی و تطبیق آن در فضای حقیقی و مجازی پاسخ دهد و در این راستا تلاش نموده است نظر اسلام را در پاسداشت حریم خصوصی بر مبنای سه اصل کرامت انسان، حرمت مؤمن و عمومیت اذن بیان نماید. همچنین با برجسته کردن هنجارهای اخلاقی حریم خصوصی در حوزه کاربران و مدیران فضای مجازی، مفاهیم اخلاقی را بازخوانی کرده است.

■ واژگان کلیدی:

اخلاق اسلامی، هنجار، حریم خصوصی، فضای مجازی

صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی بر اساس هنجارهای اسلامی

فهیمة سیدسعادت

مدرس دانشگاه هنر اسلامی تبریز

Fs_saadaty@yahoo.com

۱. طرح مسئله

حق حریم خصوصی جایگاه مهم و ویژه‌ای در میان حقوق و آزادی‌های اساسی بشر دارد و فقدان یا تجاوز به این حق موجب بروز تنش‌ها، کشمکش‌ها، خشونت‌ها و تألمات جسمی و روحی انسان‌ها در قلمروی زندگی شخصی، خانوادگی و روابط اجتماعی می‌گردد و انسان را از برخورداری از زندگی و حیات طبیعی و بایسته محروم می‌سازد و امنیت فردی و اجتماعی او را تباه و زایل می‌سازد. تردیدی نیست که سرمایه و حقوق انسان‌ها، محدود به دارایی‌ها و سرمایه‌های مادی آنها (از قبیل مالکیت اموال و حقوق مادی) نیست، بلکه انسان‌ها از حقوق غیرمالی و سرمایه‌های معنوی بهره‌مندند که در قیاس با سرمایه‌های مادی آنان از اهمیت بیشتری برخوردار است. مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی انسان عبارت‌اند از برخورداری او از آزادی‌های مشروع توأم با مسئولیت و تکلیف، حق بهره‌مندی از امنیت فردی و مصونیت از تعرض و تجاوز نامشروع و ناروای دیگران نسبت به مکالمات، مکاتبات و مراسلات او، آزادی اندیشه و بیان، امنیت جان، مال، اعتبار، حیثیت و شخصیت فرد. بی‌شک حریم خصوصی اشخاص، یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق معنوی انسان‌ها محسوب می‌شود و حمایت از آن به‌منزله پاسداشت از کرامت انسانی و هویت شخصی وی قلمداد می‌گردد. همچنین، تعرض به این حریم شخصی (چه از سوی افراد و یا توسط حکومت‌ها) سبب ایجاد ناامنی روانی و تزلزل بنیان اجتماعی جامعه می‌گردد و پیامدهای نامطلوب و جبران‌ناپذیری در حوزه زندگی فردی و اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت. از این‌رو حمایت از این حق در حوزه‌های مختلف ضروری است.

حریم زندگی خصوصی، امروزه به‌دلیل ظهور فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین و از جمله در فضای مجازی مورد تهدید جدی قرار گرفته است. این تهدیدات می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری بر شئون مختلف جامعه داشته باشد. با این حال در قواعد ناظر بر حمایت از حریم خصوصی، حمایت از این حق در فضای مجازی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از روش‌های حمایت از این حریم توجه و ترویج هنجارها و ارزش‌های اخلاقی است که باید از سوی کاربران و مدیران در فضای مجازی مورد توجه قرار گیرد که درونی‌شدن این ارزش‌ها در افراد سبب امنیت بیشتر این فضا می‌گردد.

هر چند در کشورهای غربی تنها از اوایل دهه ۱۹۰۰ «حق حریم خصوصی» مورد توجه قرار گرفته است، اما حمایت از این حق و عدم مداخله در حریم شخصی دیگران از آغاز نزول قرآن در آموزه‌های ارزشمند اسلام مورد توجه بوده است. در آیات قرآن کریم،

سنت پیامبر و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و سیره مسلمانان می‌توان توصیه‌های فراوانی را در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی یافت. در مباحث آتی خواهیم دید که با تکیه بر اصول اولیه اسلامی و از لابه‌لای احکام مختلف شرعی همچون حرمت غیبت، تجسس، استراق‌سمع و... می‌توان اصل احترام به حریم خصوصی را اصطیاد نمود. از این‌رو موجب مباهات است که بدانیم از قرن‌ها پیش مفهوم حریم خصوصی مورد حمایت اسلام بوده است در حالی که کشورهای غربی در قرون اخیر چنین مفهومی را مورد شناسایی قرار داده‌اند و همان‌طور که خواهیم دید این مفهوم تا قرن‌ها مورد تهاجم واقع می‌شده است. مفهوم حریم خصوصی در ادبیات دینی دو حوزه شخصی و عمومی را در بر می‌گیرد. در حوزه شخصی آموزه‌های اسلامی رعایت حریم خصوصی را به‌عنوان یک اصل اخلاقی مورد توصیه قرار می‌دهند اما در حوزه عمومی دین به‌عنوان شارع در مقام حمایت از حریم خصوصی به مبارزه با نقض آن می‌پردازد. البته لسان غالب آیات و روایات هر دو حوزه را در بر می‌گیرد و از این‌رو مبانی اخلاقی و حقوقی اصل حرمت حریم خصوصی مشابه است. از این‌رو تفکیک حوزه فردی حریم خصوصی از حیطه عمومی و از سوی دیگر تفکیک دستورات اخلاقی از فرامین شرعی به‌آسانی امکان‌پذیر نیست. به‌عنوان یک ملاک کلی می‌توانیم مواردی را که حمایت از حریم خصوصی به‌عنوان یک حق برای فرد در نظر گرفته شده است و وی اجازه اسقاط حق یا رضایت به نقض حق را دارد در حوزه فردی بدانیم و در مقابل مواردی را که حمایت شارع از حریم خصوصی به‌عنوان حکم مدنظر است و حتی رضایت هم نمی‌تواند حکم را از بین ببرد، حیطه عمومی حریم خصوصی در نظر بگیریم. همچنین برای تفکیک حوزه اخلاقی از حیطه حقوقی بهترین ملاک توجه به ضمانت اجرا می‌باشد که وجود آن مسئله را حقوقی و عدم آن مسئله را اخلاقی می‌نماید.

راهبرد مقاله پیش‌رو پژوهش کیفی است که به‌روش توصیفی - تحلیلی و انتقادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک مکتوب انجام شده است که با مدنظر قرار دادن موضع اسلام در باب حریم خصوصی در پی آن است تا ضمن معرفی مبانی اسلامی، حق حریم خصوصی در فضای مجازی، به اصول اخلاقی که لازم است بر حریم خصوصی در فضای مجازی حاکم باشد بپردازد تا از این طریق گامی در جهت حمایت از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی برداشته شود.

۲. چارچوب مفهومی

۲.۱. کالبد شکافی مفهومی حریم خصوصی

«حریم خصوصی» از کلیدواژه‌های نوینی است که در قرون معاصر پدید آمده است و از این‌رو در متون دینی اعم از کتاب و سنت چنین عبارتی وجود ندارد و از این‌رو ارائه تعریف حریم خصوصی در متون سنتی و منابع اسلامی امکان‌پذیر نیست. می‌توان گفت روش اسلام در این خصوص به‌صورت تحویل‌گرایانه است، یعنی در قالب احکام، حقوق و اصول دیگر از جمله حق مالکیت، منع غیبت، تهمت، تجسس، اشاعه فحشاء و نظائر آن به این موضوع پرداخته و به‌نوعی آن را مورد شناسائی قرار داده است و می‌توان احکام آن را از این طریق استنباط نمود. البته غرض از تعریف نیز به‌نحوی شناسائی یک موضوع است که با مشخص نمودن خصائص، احکام و ویژگی‌های هر امری، می‌توان تعریف آن را استنباط نمود.

در حال حاضر در ارائه یک تعریف جهانی واحد از حریم خصوصی، توافقی وجود ندارد، که این نشان‌دهنده حساسیت و وسعت ابعاد این مفهوم است و از این‌رو طرح و بررسی تعاریف مختلف لازمه درک صحیح این مفهوم است. بنابراین در ادامه این نوشتار برخی از تعاریف مهم حریم خصوصی بررسی می‌گردد.

حریم خصوصی و حق بر خلوت نخستین بار در مقاله‌ای در سال ۱۸۹۰ توسط ساموئل وارن و لوئیس براندیس حقوق‌دانان آمریکایی مطرح شد. و سپس اندیشمندان قرن نوزدهم هرچه بیشتر به مباحث هنجارین آن پرداختند (نوبهار، ۱۳۸۶: ۱۸۶). به‌نظر آنان، حریم خصوصی، از جمله ارجمندترین حقوق در یک دموکراسی است و حمایت از آن، باید در قانون اساسی بازتاب بیابد.

در یک تعریف حق بر حریم خصوصی به‌عنوان حق محرمانه‌بودن تعریف شده است (هارلو، ۱۳۸۳: ۱۱۹). از منظری دیگری حریم خصوصی مجموع رفتارهایی است که به‌صورت پرهیز از تفتیش، بازرسی و پرس‌وجو درباره مسائلی که به هیچ‌کس مربوط نیست مثل پرهیز از نگاه کردن به داخل اتاقی که پنجره آن به‌طرف خیابان باز است، نمود پیدا می‌کند (ریمن^۱، ۱۹۷۹: ۴۴-۴۳).

یکی دیگر از پژوهشگران، حق حریم را در بردارنده سه مفهوم زیر می‌داند: ۱. حقی است که به‌موجب آن، یک شخص، تنها به‌حال خود رها می‌شود؛ ۲. یک شکل از اعمال

خودمختاری یا کنترل نسبت به مسائل مهم شخصی و فردی است؛^۳ حقی است که به موجب آن، فرد دسترسی دیگران به خود را محدود می‌کند (پرنت^۱، ۱۹۸۸: ۲۷۰-۲۶۹). وی، اطلاعات و رویدادهایی را در حیطه حق خلوت می‌داند که هم شخصی باشند و هم اینکه در محل‌ها و قلمرو عمومی ارائه و آشکار نشده باشند و همچنین این اطلاعات و رویدادها باید عاری از هرگونه تناقض آشکار با مصالح افراد دیگر یا جامعه باشند (پرنت، ۱۹۸۸: ۲۷۱). طبق نظر برخی، حریم خصوصی عبارت از حق تصمیم‌گیری در خصوص این امر است که دسترسی به چه میزان از اطلاعات، احساسات، تفکرات، کردارها و شئون شخصی (یک فرد) برای دیگران جایز است (گودکین^۲، ۲۰۰۶). برخی حقوق دانان معتقدند حریم خصوصی صرفاً این نیست که در اذهان دیگران اطلاعاتی در مورد ما موجود نباشد، بلکه بیشتر نظارتی است که ما بر اطلاعات راجع به خویش اعمال می‌کنیم (هومیک^۴، ۲۰۰۴).

در یک تعریف دیگر از حریم خصوصی، با امعان نظر به اینکه این حق یکی از حقوق اساسی و مهم بشر از دیدگاه اسلام است، موارد آن را در نظام حقوقی اسلام معرفی نموده‌اند:

۱. حق افراد برای تنها بودن در زندگی خصوصی‌شان؛
۲. حق بر مصون بودن از نظارت و دخالت دولتی؛
۳. حق بر اینکه امور شخصی و خصوصی افراد بدون اجازه‌شان عمومی نشود؛
۴. حمایت از اشخاص و مکان‌های زندگی آنها از تفتیش و ضبط؛
۵. حمایت از اطلاعات و افکار اشخاص و جلوگیری از اقرار اجباری به جرم؛
۶. محق نبودن دولت در زیر نظر داشتن اقتدار خصوصی افراد و حق پنهان نگه‌داشتن اطلاعات.» (بروین^۴، ۲۰۰۲: ۲۷).

همان‌گونه که در ابتدای مبحث هم اشاره شد ارائه تعریف جامع و مانع از حق حریم خصوصی بسیار دشوار است. هر یک از این تعاریف به جنبه یا جنبه‌هایی از حریم خصوصی پرداخته بودن که بالتبع جنبه‌هایی را هم در تعریف خود لحاظ ننموده بودند که البته این مسئله ناشی از پیچیدگی و ارتباط حریم خصوصی با حوزه‌های مختلف فردی، اجتماعی، اخلاقی، حقوقی و حتی مذهبی است. مشاهده این تعاریف نشان می‌دهد که بهترین

1. Parent
2. Goodkin
3. Homiak
4. Berween

راهکار برای دستیابی به تعریف کامل شناسایی عناصر این حق می‌باشد. از این رو برخی به احصاء عناصر اصلی تعاریف ارائه شده پرداخته‌اند:

- حق شخص مبنی بر اینکه به حال خود رها شود.
- تمایل اشخاص به اینکه آزادانه تصمیم بگیرند که در چه شرایطی و تا چه اندازه خود، وضعیت و رفتارشان را برای دیگران فاش کنند.
- حق اشخاص بر اینکه در مقابل هرگونه مداخله یا افشای اطلاعات در زندگی یا امور شخصی یا امور خانوادگی از طریق ابزارهای فیزیکی مصون بمانند.
- حریم خصوصی متشکل از سه رکن است: گمنامی، محرمانگی و تنهایی (بنیسر^۱، ۲۰۰۰: ۲).

قدر مشترک همه تعابیر مذکور، پذیرش حق بودن چنین امری است که دربرگیرنده حریم مکانی، حریم روحی - روانی، حریم ارتباطی، حریم آبرویی و حریم روابط حاکمیتی است. در مجموع حریم خصوصی قلمرویی از زندگی اشخاص است که انسان نوعی و متعارف با درک نیازهای جامعه در هیچ وضعیتی تجاوز به آن را مجاز نمی‌داند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۱: ۱۶۱). بارزترین مصادیق حریم خصوصی مورد پذیرش دیدگاه‌های مختلف حقوقی عبارت‌اند از: اطلاعات شخصی، جسم افراد، منازل و اماکن خصوصی و ارتباطات خصوصی. بنابراین، دسترسی به اطلاعات شخصی و افشای مسائل خصوصی افراد، تحت نظر گرفتن دیگران، ایست بازرسی و بازرسی‌های بدنی، ورود بدون اجازه به منازل و اماکن خصوصی، شنود، کنترل یا رهگیری مکالمات و انواع ارتباطات از عمده‌ترین اعمال نقض‌کننده و در شرائطی جرائم در زمینه حریم خصوصی است. البته محور اصلی و امروزی حمایت از حریم خصوصی در فضای مجازی تعاریف مبتنی بر اطلاعات و کنترل شخص بر توزیع اطلاعات خود می‌باشد که این امر به اقتضای ماهیت این فضا در تبادل اطلاعات است. باتوجه به تعاریف ذکر شده و عناصر و معیارهای آنها، برای تعریف این موضوع و نیز برای شناسایی مصادیق مورد حمایت حریم خصوصی، باید دو معیار نوعی و شخصی را در نظر داشت (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۲). معیار نوعی به معنای اینکه برخی جنبه‌های زندگی افراد نوعاً یا عرفاً حریم خصوصی به‌شمار می‌رود و مدعی نقض حریم خصوصی را از اثبات ممنوعیت ورود و یا دسترسی بدون رضایت دیگران به حیطه خاص، بی‌نیاز می‌سازد. بنابراین تعدی به حیطه‌های نوعاً شخصی و خصوصی

زندگی افراد نقض حریم خصوصی قلمداد می‌شود، مگر در مواردی که مدعی نقض حریم خصوصی رضایت صریح یا ضمنی خود به این امر را اعلام کرده باشد. معیار شخصی نیز به معنای تعیین محدوده حریم خصوصی و مصادیق آن توسط شخص می‌باشد. اشخاص ممکن است بعضی جنبه‌های زندگی خود را که نوعاً یا عرفاً در دایره حریم خصوصی قرار نمی‌گیرد، در حوزه امور شخصی و حریم خصوصی خود قرار دهند. گاهی هنگام وضع قوانین از هر یک از معیارها و یا تلفیقی از هر دو معیار استفاده می‌گردد. مثلاً در فضای مجازی نظیر اینترنت اطلاعات اشخاص هنگام ورود به سایت‌ها بر اساس نظر خود آنها تنظیم و ثبت می‌گردد.

بنابراین با تکیه بر معیارهای فوق به چنین تعریفی از حریم خصوصی می‌توان رسید: «گستره‌ای از اطلاعات و متعلقات هر فرد است که نوعاً یا عرفاً یا با اعلام قبلی فرد به نحو معقولی انتظار عدم دسترسی دیگران به آنها و مصونیت از ورود، نگاه، نظارت و یا هرگونه تعرض دیگران اعم از اشخاص یا حاکمیت نسبت به آن گستره را دارد.» غالباً محرمانگی به نوعی با اطلاعات و ضرورت مخفی ماندن آن مرتبط است. بنابراین می‌توان انواع مختلف حریم خصوصی را در پرتو حریم خصوصی در زمینه اطلاعات مورد بررسی قرار داد.

۲.۲. حریم خصوصی در فضای مجازی

همان‌طور که پیش از این گذشت حریم خصوصی مفهومی است که شامل اطلاعات و غیراطلاعات می‌شود و هر انسانی نزد خویش اطلاعاتی دارد که مایل نیست دیگران از آن مطلع شوند. اگر این اطلاعات به نوعی مربوط به خود شخص باشد، حریم خصوصی آن شخص محسوب می‌گردد و قسمتی از آن اطلاعات که در حوزه فضای مجازی انتشار یافته است مربوط به حریم خصوصی فرد در فضای مجازی است.

حریم خصوصی افراد در فضای مجازی را می‌توان در دو حوزه بررسی کرد: ۱. ارتباطات خصوصی یا غیرعمومی که به اشکال مختلف مکتوب، صوتی، تصویری یا حتی چندرسانه‌ای به صورت همزمان یا غیرهمزمان در سراسر جهان برقرار می‌شوند؛ و ۲. پایگاه‌های داده‌ای که حاوی اطلاعات شخصی‌اند یا حتی اطلاعات شخصی حساس افراد را نگهداری می‌کنند (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۴: ۱۵۲) که در هر دو حوزه علاوه بر کاربران تحت نظارت مدیران نیز می‌باشد.

۳. حریم خصوصی در اسلام

۳.۱. مبنای حریم خصوصی در اسلام

اسلام برای حریم خصوصی افراد اهمیت ویژه‌ای قائل است. با توجه به آیات و روایات می‌توان به‌دست آورد که حریم خصوصی در آموزه‌های اخلاقی و احکام فقهی دین اسلام بر سه اصل اساسی مبتنی است. نخست اصل احترام به حریم و حرمت مؤمن است. دوم اصل توجه به کرامت انسانی و در نهایت لزوم عمومیت اذن در روابط اجتماعی است. تذکر قرآن و روایات به اینکه انسان محدوده خویش را شناخته و به حریم دیگران وارد نشود بسیار قابل توجه است. قرآن کریم در عرصه‌های مختلف انسان مؤمن را از اینکه ذهن خود را در زندگی دیگران و دخالت (آن هم بدون فایده و نتیجه) متمرکز نماید، نهی کرده است. نکته قابل توجه در مباحث مطروحه این است که تفکیک مباحث اخلاقی از احکام حقوقی در آیات و روایات وارده تا حدودی دشوار می‌نماید. همان‌طور که پیش از این هم اشاره نمودیم توجه به ضمانت اجرا برای این تفکیک راه‌گشاست.

۳.۱.۱. اصل احترام به حریم مؤمن

در دیدگاه اسلامی، حرمت مؤمن در نزد خداوند هم‌سنگ حرمت پیامبر، خاندان پیامبر، قرآن و کعبه اهمیت دارد^(۱) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۸). جان مسلمان از نظر اسلام حرمت خاصی دارد، بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند به جان مسلمان، لطمه‌ای از قبیل ضرب و جرح وارد آورد و یا با دادن غذای فاسد و مسموم و یا هر چیز دیگری، سلامت وی را به‌خطر اندازد. در فقه اسلامی قاعده‌ای تحت عنوان «حرمة دم المسلم و ماله و عرضه» وجود دارد (موسوی خلیفایی، ۱۴۲۷: ۴۶۵) که بیانگر اصل احترام به جان، مال و آبروی افراد است. مال و دارایی مسلمان همچون جان و خون وی محترم است^(۲) (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۹) بنابراین، اگر کسی از راه ربا، رشوه، فریبکاری، سرقت و بالاخره هرگونه تصرف نامشروع، مالی را از کسی غصب کرده باشد، باید به تحصیل رضایت صاحب مال و یا باز پس دادن آن مال اقدام نماید. آبروی افراد نیز دارای حرمت و مصونیت فوق‌العاده‌ای است و از موارد حق الناس به‌شمار می‌آید. بنابراین انسان نمی‌تواند به‌وسیله غیبت، تهمت، افشاگری و هرگونه رفتار دیگری، به آبرو و حیثیت دیگری ضربه و آسیبی وارد نماید، زیرا در غیر این صورت مرتکب ظلم بزرگی در حق او شده که باید به جبران آن بپردازد. چنانکه طبق فرمایش امام صادق (علیه‌السلام) در ذیل روایتی درباره درجات ایمان «هر کس حیثیت مؤمنی را

بشکنند، بر او واجب است که آن را جبران نماید»^(۳) (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۲). آموزه‌های اسلامی آبروی مسلمان را بسیار ارزشمند و والا می‌داند و ریختن آن را گناهی بسیار بزرگ برشمرده است. امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: حرمت مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است^(۴) (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۰۴) کعبه مقدس‌ترین سرزمین و قبله‌گاه مسلمانان و نمازگزاران است، به‌گونه‌ای که بدون توجه به آن نماز باطل است و حیوانی که به آن سو ذبح نشود، حرام است. تکریم و احترام کعبه بر همه واجب و اهانت به آن، حرام و گناه بسیار بزرگی است. هر کس نسبت به آن قصد سوء داشته باشد (مانند ابرهه) با لشکر شکست‌ناپذیر «طیر ابابیل» روبرو خواهد شد، ولی حرمت مؤمن بالاتر از کعبه قرار داده شده است. به‌گفته امام رضا (علیه‌السلام) مؤمن از کعبه عزیزتر و محترم‌تر و حتی حرمتش از آن بالاتر است^(۵) (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۳۴۳)، بنابراین همان‌طور که تخریب و اهانت به کعبه حرام است تخریب چهره مؤمن و اهانت به او نیز حرام است. اهمیت احترام به مسلمان در خطبه ۱۶۷ نهج‌البلاغه از حرمت کعبه هم فراتر رفته و آن را بر هر حرمتی برتری بخشیده است^(۶) (سیدرضی، بی‌تا: ۲۴۲).

بنابراین اصل، هرگونه تجاوز به حریم مؤمنین غیرمجاز است و از این‌رو احترام به حریم مؤمن اولین زیربنای حریم خصوصی در اسلام به حساب می‌آید و با توجه به وسعت معنایی و مصادیق این اصل، اصل حرمت مؤمن هم شامل حراست از حریم خصوصی فرد در زندگی حقیقی می‌گردد و هم زندگی و اطلاعات مجازی فرد را در بر می‌گیرد. بنابراین هرگونه عملی که سبب ایجاد خدشه در آبروی مؤمن و تشویش زندگی وی گردد مردود است؛ چه این اتفاق در ساحت فیزیکی رخ دهد و چه در بستر مجازی اتفاق افتد.

۳.۱.۲. اصل پاسداری کرامت انسانی

خداوند متعال با اراده خود انسان را آفرید و با قدرت خود او را عقل و فکر داد و به او شنوایی و بینایی بخشید. با توجه به دقت و ظرافتی که در آفرینش انسان به کاررفته، هیچ مخلوقی با وی برابری نمی‌کند. خداوند متعال در آیه ۷۰ سوره اسراء به کرامت انسان اشاره نموده و می‌فرماید: «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم [کرامت دادیم] و آنان را بر مرکب‌های آبی و صحرائی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتریشان دادیم، آن‌هم چه برتری؟!»^(۷) مفسرین مراد از آیه را، بیان حال جنس بشر، صرف‌نظر از کرامت‌های خاص و فضایل روحی و

معنوی که به عده‌ای اختصاص داده می‌شود، دانسته‌اند. بنابراین آیه، مشرکین و فاسقین را نیز در برمی‌گیرد زیرا که اگر شامل نمی‌شد و مراد انسان‌های خوب و مطیع بودند، معنای امتنان و عتاب صحیح نمی‌بود (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۵۵).

در آیاتی دیگر نیز از اینکه انسان در بهترین نوع خلق شده، سخن گفته شده است. آیه ۴ سوره تین بیان می‌دارد: «حقیقتاً ما انسان را در بهترین بنیان آفریدیم.»^(۸) همچنین در آیه ۲۰ سوره لقمان بر این مسئله تأکید شده که آنچه در آسمان و زمین است، برای انسان مسخر گشته و یا اینکه برای او خلق شده است^(۹). به‌طور کلی در دین اسلام و با امعان نظر به آیات قرآنی، دو نوع کرامت برای انسان اثبات می‌شود:

۱. کرامت ذاتی و طبیعی که از سوی خداوند به انسان داده شده است. آیه «و لقد کرمننا...» به‌همین کرامت خدادادی و همگانی اشاره دارد؛
۲. کرامت غیرذاتی و اکتسابی که ارزشی است که انسان با به‌کار انداختن استعدادهای خود به‌دست می‌آورد. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسان به‌همین کرامت مربوط است (رحمانی زروندی، ۱۳۸۹: ۳۸).

حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نسبت به کرامت انسانی و حقوق بشر بسیار حریص بوده (حسینی شیرازی، ۱۴۱۹: ۱۹۱) و همواره آن را مدنظر داشته است. امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) نیز در خطبه یک نهج‌البلاغه پس از اشاره به خلق جهان و ملائکه به لطائف خلقت آدمی می‌پردازد و کرامت ذاتی انسان را مورد اشاره قرار می‌دهد: «... پس خداوند از فرشتگان خواست تا آنچه را بر عهده دارند ادا کنند و عهده‌ی او را که پذیرفته‌اند وفا کنند و در برابر کرامت انسانی، به‌نشانه خضوع و خشوع، سجده آورند...» (سیدرضی، بی‌تا: ۲۴۲)^(۱۰) جایگاه کرامت انسانی در اسلام به‌حدی است که برخی از فقها حتی برده‌داری و استرقاق در نظام اسلامی را بهترین راهکار عقلانی برای حفظ کرامت انسانی دانسته‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۱۹: ۷۳). البته به‌گواهی تاریخ با برقراری قواعد رقیت از سوی اسلام و محدودیت‌های برده‌داران و امتیازات بردگان، نظام برده‌داری در کشورهای اسلامی بسیار زودتر از سایر نقاط جهان منتهی گردید. از مجموع احکام و برخوردهای اسلام نسبت به مسئله برده‌داری، چنین استنباط می‌شود که اسلام به مبارزه با پدیده برده‌داری برخاسته است تا در فرصت مناسب آن را ریشه‌کن کند. قرائن و مدارک بر این نظر و روش شریعت اسلامی را در مناسبت‌های مختلف می‌توان مشاهده کرد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۹: ۱۰۶) که خارج از موضوع این مقاله است.

کرامت انسانی به‌عنوان بنیادی‌ترین عنصر برای ظهور و بروز رفتارهای فردی و اجتماعی یک فرد تلقی می‌شود، بدین معنا که انسان علاوه بر کسب کرامت اکتسابی، کرامت ذاتی خود را نباید به‌واسطه اعمال ناشایست خدشه‌دار کند و همچنین نباید اجازه دهد که دیگران این کرامت را مورد تعرض قرار دهند.

مقتضای کرامت انسان آن است که حوزه‌های حریم شخصی وی که پیش از این توضیح آن گذشت محترم شمرده شود و از این‌روست که ارتباط وثیقی میان حفظ کرامت انسانی و رعایت حرمت حریم خصوصی افراد وجود دارد و خدشه وارد شدن به هریک از حوزه‌های حریم خصوصی فرد - ارتباطی، مکانی، اطلاعاتی و جسمانی - منافی اصل کرامت انسانی وی خواهد بود. به‌عبارت دیگر پاسداری و صیانت از کرامت انسانی موکول به شناسایی و حفظ حریم خصوصی اوست و آنگاه که انسان حریم خلوت دیگری را پاس می‌دارد، در واقع شأن و کرامت آدمی را ارج می‌نهد. بر همین مبناست که اسلام مقررات سخت‌گیرانه‌ای را برای تجاوز و تعرض به قلمروی حریم خصوصی اشخاص وضع نموده و آن را به‌عنوان یک راهبرد اساسی در حقوق کیفری خود منظور داشته است.

بند ششم از فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی به‌عنوان یک حکم حکومتی بیان می‌دارد: «...هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به‌نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به‌نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هریک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.» (موسوی‌الخمنی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

ولی برخلاف آموزه‌های اسلامی و پیشینه حمایت از حریم خصوصی با مبنای احترام به کرامت انسانی، در یونان باستان از آنجا که عزت نفس و کرامت انسانی افراد با منصب و مسئولیت اجتماعی آنان سنجیده می‌شد، حریم خصوصی امر منفی تلقی می‌شد و فردی که از قلمروی خصوصی خویش به‌عنوان پناهگاهی برای کناره‌گیری از جامعه استفاده می‌نموده است، در حد برده‌ای بوده که اساساً فاقد زندگی اجتماعی به‌شمار می‌رفته است

(گیورث^۱، ۲۰۰۲: ۲۰). البته مسیحیت حرمت و کرامت انسان‌ها را تأیید کرده است هر چند آ‌بای کلیسا بر خورداری از کرامت انسانی و آثار مترتب بر آن را، منوط به بلوغ و آن‌هم نه بلوغ سنی بلکه وصول به مرحله‌ای از رشد و آگاهی معنوی می‌دانستند، فلذا معتقد بودند انسان‌ها تا به آن مرحله از رشد نرسیده‌اند باید به **قیمومت** تن در دهند (موحد، ۱۳۸۱: ۲۲۹). البته با شناسایی مفاهیم اساسی و کلیدی حفظ حرمت و کرامت انسانی پس از رنسانس و با توسعه مفاهیم بنیادین حقوق بشر در سده‌های اخیر و ترفیع جایگاه کرامت انسانی در مبانی نظری، برخی اندیشمندان غربی در دوران معاصر احترام به حریم خصوصی را بر مبنای ضرورت احترام به کرامت انسان توجیه نموده و آن را اساس حمایت از حریم خصوصی می‌دانند (دیسو^۲، ۱۹۹۷: ۳۱).

به‌دلیل گره خوردن حریم خصوصی و کرامت انسانی، در حقوق اسلامی رضایت اشخاص مبنای رفع مسئولیت نخواهد بود و محدودیت‌های حریم خصوصی اشخاص با رضایت آنان برداشته نمی‌شود، گرچه در پاره‌ای موارد موجب تضییق و محدودیت قلمرو حریم خصوصی می‌گردد. به‌همین جهت اقرار بر گناهان شخصی نزد دیگران و یا افشاء معاصی خود به‌نوعی اشاعه فحشاء محسوب می‌گردد و حرام است. در عین حال امر به‌معروف و نهی از منکر اقتضائات خاص خود را دارد که پاره‌ای مداخلات محدود را از زاویه‌ای دیگر امکان‌پذیر می‌سازد. به‌عبارت دیگر حمایت از حریم خصوصی و حرمت تجاوز به آن در نظام حقوقی اسلام به‌عنوان یک حکم مطرح است نه حق و همان‌طور که می‌دانیم حکم بر خلاف حق قابل اسقاط نیست. این مسئله نشان‌دهنده این است که کرامت انسانی در اندیشه اسلامی به‌عنوان یک حق در حوزه خصوصی و شخصی افراد مطرح نیست بلکه اصل احترام به کرامت انسانی یک قاعده عمومی است. به‌لسان حقوقی، کرامت انسانی و به‌تبع آن حق بر حریم خصوصی از قواعد آمره است و نمی‌توان مانند قواعد تکمیلی برخلاف آن توافق نمود و یا نسبت به نقض آن رضایت داد.

۳.۱.۳. اصل عمومیت اذن

این اصل برگرفته از آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره مبارکه نور است. منظور از اذن اجازه گرفتن برای ورود به حریم خصوصی دیگران است. در صورتی که فرد در هر موقعیتی که برای

1. Gutwirth
2. DeCew

دیگران سرنوشت‌ساز است و جنبه حیاتی دارد، قصد ورود داشته باشد، به تعبیر قرآن کریم بهتر است که اجازه و اذن دخول بگیرد. اذن گرفتن هم برای فرد اذن گیرنده و هم اذن دهنده مفید خواهد بود.

خداوند در این سوره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید! و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید این برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است!، (ولی) گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیرمسکونی بشوید که در آن متاعی متعلق به شما وجود دارد و خدا آنچه را آشکار می‌کند و آنچه را پنهان می‌دارد، می‌داند.»^(۱۱) در جاهلیت مرسوم بود که به‌هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند و از نقب پشت خانه وارد می‌شدند. خداوند متعال در آیه ۱۸۹ سوره بقره، مسلمانان را از این کار بازداشته و می‌فرماید: «...کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید.»^(۱۲)

علاوه بر منزل خلوتگاه شخصی نیز در آیات قرآن به‌عنوان حریم خصوصی تلقی گردیده و برای ورود به آن کسب اجازه لازم دانسته شده است. براساس آیه ۵۹ سوره نور «...هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند...»^(۱۳).

باید توجه داشت اذن دخول تنها مربوط به حریم خصوصی در خانه نیست و در هر صورتی که فرد شرایط و موقعیتی را برای خود به‌وجود آورده باشد و دور نگه‌داشتن آن شرایط و موقعیت از دید عمومی و فضای غیرشخصی برای آن فرد اهمیت داشته باشد، حریم خصوصی محسوب‌شده و گرفتن اذن لازم است. اذن دخول با ابزاری فراهم می‌شود. در حقیقت اجازه گرفتن از دیگران می‌باید با ابزاری در ارتباط باشد که برای فردی که حریم خصوصی را برای خود لحاظ کرده است مناسب داشته باشد.

اذن دخول محدودیت نداشته و صرف عنوان مشخص (مثل مادر یا پدر بودن) نمی‌تواند مجوز حضور بدون اذن فرد در حریم خصوصی آنها باشد و در هر صورت اذن دخول لازم است، گرچه فردی در حریم خصوصی آن فرد وجود نداشته باشد.

و در نهایت اینکه رابطه بین حریم خصوصی و گرفتن اذن رابطه‌ای لازم و ملزوم است

و در صورتی که فرد بدون اجازه دیگران به زندگی خصوصی و حریم‌های آنها تجاوز کند ناهنجاری شمرده شده و مستحق نکوهش و مجازات خواهد بود.

در پایان این مبحث ذکر این نکته لازم است که حرمت حریم خصوصی بر اساس اصول سه‌گانه فوق در فضای مجازی همچون فضای واقعی ضروری است. با توجه به ارتباط وثیق میان این دو محیط، هتک آبرو در هر یک از محیط‌های حقیقی یا مجازی بر حیثیت فرد در محیط دیگر هم تأثیر می‌گذارد؛ به نحوی که اگر در محیط مجازی شایعه‌ای علیه فردی ایجاد شود، زندگی حقیقی وی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و صرفاً به محیط مجازی محدود نمی‌گردد. علاوه بر این شخصیت افراد در فضای مجازی موضوعیت دارد و حتی لطماتی هم که تأثیر آن فقط محدود به فضای مجازی است جایز نیست. همچنین افراد از انجام اعمال بر خلاف کرامت انسانی در فضای مجازی نیز ممنوع‌اند.

۴. هنجارهای اخلاقی حریم خصوصی

هنجار در اصطلاح جامعه‌شناسی به یک الگوی رفتاری گفته می‌شود که روابط و کنش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند، اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند و در صورتی که شخصی آن را رعایت نکند، جامعه او را مجازات می‌کند. هنجارها نوعی انتظار رفتاری است که تا حدود زیادی از جانب گروهی از افراد یا به‌وسیله جامعه مراعات می‌شود. هنجارها به افراد می‌گویند که در شرایط مشخص چه باید بکنند. از دیدگاه موقعیتی که شخص در آن قرار می‌گیرد هنجارهایی مشخص می‌سازند که در اوضاع و شرایط مشخص چه انتظاری از وی می‌رود. هنجارها که مورد قبول گروه واقع شود به‌عنوان ابزاری به حساب می‌آید که رفتار اعضای گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد بدون اینکه هیچ‌گونه کنترلی از بیرون اعمال شود (طلوعی‌اشلقی و کاوسی، ۱۳۸۵: ۵۸).

در حوزه فضای مجازی هنجارهای اخلاقی حریم خصوصی از دو جهت هنجارهای حاکم بر کاربران و هنجارهای حاکم بر رفتار مدیران قابل بررسی است که در ادامه به این دو جهت پرداخته خواهد شد.

۴.۱. هنجارهای اخلاقی حریم خصوصی در فضای مجازی (کاربران)

هنجارهای اخلاقی فضای مجازی که بر رفتارهای کاربران حاکم است در دو بعد قابل بررسی است. بعد اول مربوط به حریم خصوصی شخص کاربر است و اینکه شخص کاربر نباید خود

حریم شخصی خود را هتک نماید و آنچه را که مربوط به حریم شخصی خود است، در دسترس عموم قرار دهد. این موضوع در ادامه تحت عنوان ممنوعیت اشاعه فحشا توضیح داده خواهد شد و بعد دیگر مربوط به عدم هتک حریم خصوصی سایر کاربران و آن اینکه کاربر موظف است حقوق افراد دیگر را در حوزه حریم خصوصی خود رعایت کند که بسط این اصل و تسری آن در میان سایر کاربران تولید زنجیره‌ای را خواهد نمود که مانع از هتک حریم شخصی کاربران دیگر در فضای مجازی می‌شود و در نهایت به اخلاقی شدن فضای مجازی منجر خواهد شد که در ادامه تحت عنوان رعایت حقوق دیگران خواهد آمد.

۴.۱.۱. ممنوعیت اشاعه فحشاء

قرآن کریم اشاعه فحشاء را عملی معرفی کرده است که پیامد آن عذاب دردناک در دنیا و آخرت است: آیه ۱۹ سوره نور بیان می‌دارد: «آنهایی که دوست دارند کارهای زشت و منکر در میان اهل ایمان اشاعه پیدا کند، برایشان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی وجود دارد و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.»^(۱۴) بنابراین افشاء و انتشار گناهان اشخاص در اسلام از منکرات به‌شمار رفته و حکم حرمت بر آن مترتب است. در خصوص آیه پیش گفته از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است: «هر کس درباره مؤمنی آنچه را که دیده و یا شنیده بگوید، از زمره افرادی است که خداوند درباره آنان فرموده است: إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةَ...»^(۱۵) (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۷).

ارتباط ممنوعیت فحشاء با حرمت نقض حریم خصوصی هم از جهت خصوصی یا شخصی و هم از جهت عمومی مطرح است. اشاعه فحشاء در حوزه شخصی موجب نقض حریم خصوصی افراد و انتشار عیوب آنها می‌گردد. از سوی دیگر اشاعه فحشاء به دلیل ارتباط با فضای عمومی جنبه عمومی هم پیدا می‌کند که البته این خصیصه نباید ما را از توجه به جنبه شخصی آن غافل سازد. اشاعه فحشاء افراد از آنجا که موجب انتشار عیوب و بدی‌های اشخاص می‌شود جنبه شخصی و از آنجا که این انتشار در فضای عمومی جامعه مطرح می‌گردد جنبه عمومی می‌یابد. البته جنبه عمومی اشاعه فحشاء اهمیت بیشتری دارد زیرا ممکن است یک انسان از افشای پاره‌ای اسرار خویش، که معمولاً اشخاص آن را کتمان می‌کنند و تمایلی به افشای آن ندارند، ناراضی و بی‌رغبت نباشد و یا به علنی‌سازی آن رضایت دهد، لیکن افشای این اسرار در جامعه «اشاعه فحشاء» قلمداد شود. بدیهی است که در این‌گونه موارد حتی رضایت صاحب حریم خصوصی نیز نمی‌تواند جواز هتک

ستر و افشای اسرار تلقی شود، زیرا با اشاعه مواردی که با اخلاق عمومی جامعه تناقض دارد، تجاوز به حقوق عامه محقق می‌شود. چنان‌که مثلاً در منابع اسلامی بر مسئله حفظ عورت انسان تأکید فراوان شده است. بر این اساس کشف عورت مجاز دانسته نشده و افشاکننده آن به جرم اشاعه فحشا گنهکار معرفی گردیده است و چنین فردی مستحق مجازات و کیفر می‌باشد. احادیث متعددی در رابطه با توصیه به توبه به درگاه خدا و مستور داشتن گناه خود در منابع روایی موجود است. از جمله در یکی از این روایات، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پس از اجراء حد در مورد شخصی که اقرار بر گناه نموده بود فرمودند: «کسی که مرتکب چیزی از این آلودگی‌ها شد به ستر الهی بپوشاند. چرا که هر کس در مقابل ما بایستد و آشکارا عصیان کند یا عصیان خود را آشکار سازد، حدود الهی را بر او جاری خواهیم ساخت.» (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۲۴۹ به نقل از الموطأ/ ۲/۱۶۹)

^(۱۶) لذا توبه در پیشگاه خداوند کریم در قبال گناهانی که در خفا و در قلمرو شخصی انجام گردیده مرجح است. این موضوع از وجوه تمایز نظام حقوقی اسلام با سایر نظام‌های حقوقی در زمینه نقض حریم خصوصی است. در سایر نظام‌ها افراد می‌توانند نسبت به نقض حریم خصوصی‌شان رضایت دهند و مسلماً به‌دنبال آن، دامنه حریم خصوصی او بسیار وسیع یا اساساً مرتفع می‌گردد و نقض آن مسئولیتی برای دیگران ایجاد نخواهد کرد یعنی اصالت با جنبه شخصی اشاعه فحشاء است. در حالی که در نظام حقوقی اسلام، امکان توافق برای افشاء همه امور محرمانه و شخصی وجود ندارد فلذا اصل بر عمومیت است.

بنابراین حفظ حرمت و کرامت ذاتی انسانی اقتضا دارد که علاوه بر منع دیگران، خود انسان نیز از علنی شدن و افشای اسرار خویش که موجب وهن و یا تخریب شخصیت او می‌شود، خودداری ورزد و با پرده‌داری از اسرار مکتوم خویش، که افشای آنها نامتعارف و مذموم است مقابله نماید. درواقع صرف‌نظر از آثار اجتماعی این امر، پنهان نمودن گناه و عمل زشت با کرامت انسانی و حقوق بشر مرتبط است فلذا نباید انسان برخلاف کرامت انسانی خود عملی انجام دهد. لذا دین مبین اسلام علاوه بر اینکه حکومت و کارگزاران و عوامل آن و نیز اشخاص دیگر را از تجسس و ورود به حریم خصوصی انسان‌ها و افشای اسرار، از جمله فساد اخلاقی آنان، منع می‌کند، صاحب حریم را نیز مجاز نمی‌داند تا شخصاً به افشا و اشاعه آن دسته از اسرار خویش، که به دلیل ضرورت مکتوم ماندن آنها در اصطلاح به «عورت» تعبیر گردیده است، اقدام کند یا اجازه برملاسختن آن را به دیگری بدهد. شاید در بسیاری از موارد صاحبان حریم خصوصی بتوانند اجازه دسترسی

و مداخله در حریم شخصی خود را به دیگران بدهند، ولی آنجا که امکان دسترسی و ورود دیگران به حریم خلوت اشخاص موجب اشاعه و گسترش فحشاء در جامعه گردد، این حق حتی برای صاحب حریم نیز وجود ندارد. بدیهی است که هرگونه هتک حریم خصوصی شخصی در فضای مجازی که موجب اشاعه فحشا گردد جایز نیست. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند تصاویر مبتذل و یا مستهجن خود را در فضای مجازی بارگذاری نماید و یا به گناهان و اعمال زشت خود در فضای مجازی اقرار نماید. ممنوعیت اشاعه فحشا از این جهت بسیار دارای اهمیت است که مابقی موارد نقض حریم خصوصی را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. توضیح بیشتر آنکه چنانچه هر یک از موارد نقض حریم خصوصی مانند غیبت یا تهمت از حیطة شخصی خارج و به اشاعه فحشا بینجامد مسئله جنبه حکمی و آمرانه می‌یابد و حتی رضایت فرد نیز تأثیری در رفع حکم ندارد. به عبارت دیگر اشاعه فحشا می‌تواند به هریک از موارد نقض حریم خصوصی که صرفاً جنبه اخلاقی دارند، اثر حقوقی ببخشد و با ضمانت اجرای مناسب با ناقض برخورد نماید.

۴.۱.۲. رعایت حقوق دیگران و پرهیز از آزار افراد

اخلاق اسلامی وظایفی را برای انسان‌ها معین کرده است که بر رعایت حقوق همدیگر و نیز توسعه روابط اخلاقی بر مبنای حقوق طرفینی و بین شخصی متمرکز است. از یک سو برجستگی حقوق در عرصه‌های مختلف اجتماعی نمایان است. منظور از جنبه‌های مختلف، واقعی بودن زندگی روزمره و نیز غیرواقعی بودن آن است که از آن به فضای مجازی تعبیر کردیم. از سوی دیگر برخی از حقوق و رعایت آنها فردی بوده و برخی نیز اجتماعی است. آنچه مسلم است، پذیرفتن اصل رعایت حقوق دیگران به‌طور کلی است. بدین معنا که چه در واقعیت و فضای حقیقی و روابط عینی موجود در جامعه و چه در فضای مجازی این حقوق به‌طور یکسان قابل اهمیت است. از دیگر سو نیز عدم مراعات حقوق سایرین و آزاررسانی به خود و همکاران، یکی از رذائل اخلاقی و عامل مهم برهم‌زدن تعادل در زندگی فردی و اجتماعی آحاد بشر است که شامل فضای حقیقی و مجازی می‌گردد. منظور از آزار در حوزه مجازی هرگونه عمل آزاردهنده و یا تهدیدآمیزی است که ایجاد ناراحتی و مزاحمت می‌کند. رایج‌ترین نوع این نوع مزاحمت‌ها عبارت‌اند از: تلاش برای فاش کردن اطلاعات شخصی سایرین، مانند فرستادن پیغام‌های خصوصی و ایمیل‌های شخصی افراد به افراد دیگر بدون کسب اجازه از ایشان، پخش شایعات در اینترنت.

بنابراین لازم است تا کاربران اینترنت حقوق سایر کاربران از جمله حق حریم خصوصی ایشان را در فضای مجازی مراعات نمایند که این سبب می‌گردد تا متقابلاً حریم خصوصی ایشان نیز توسط سایرین مراعات گردد و این گامی در جهت حراست از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی خواهد بود، از جمله اموری که در جهت حفظ حریم خصوصی سایرین باید توسط کاربران مورد توجه قرار گیرد می‌توان به پرهیز از آشکار ساختن عیوب و پرهیز از غیبت و تهمت اشاره نمود.

منظور از آشکار نمودن عیوب آن است که انسان تلاش نماید تا از عیوب دیگری آگاهی یابد و لغزش‌ها و نواقص و گناهان او را که از چشم دیگران پوشیده و پنهان است، میان مردم آشکار نماید. بدیهی است که مقدمه و لازمه خصلت عیب‌جویی، تلاش برای ورود و تعرض به حریم خصوصی دیگران با هدف کسب اطلاع از عیوب و کاستی‌های آنان است. یکی از مکارم اخلاقی در تعالیم دین اسلام، صفت عیب‌پوشی از دیگران است. اهمیت این خصلت تا بدان حد است که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «هر که از برادر خویش کار ناپسند و زشتی مشاهده کند و آن را پوشیده نگه‌دارد، خداوند در دنیا و آخرت عیب‌پوش او خواهد بود.»^(۱۷) همچنین پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در بیان اهمیت این ویژگی، آن را با ارزش حیات یک انسان، که والاترین سرمایه بشر است، چنین مقایسه فرموده: «هر کس زشت‌کاری مؤمن را بپوشاند، چنان است که دختر زنده به‌گور شده‌ای را نجات داده است.»^(۱۸) (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ۴۲۲۰) حفظ آبروی یک انسان با پوشاندن و عدم افشای عیوب او از دیگران، از منظر اسلام نشانه جوانمردی پوشاننده عیب است.

همچنین لازم است تا کاربران از غیبت و تهمت نسبت به سایر کاربران در حیطه خصوصی خود بپرهیزند. مفهوم غیبت در فرهنگ اسلامی آن است که انسان در غیاب دیگری سخنی بگوید که اگر غیبت‌شونده بر آن آگاهی یابد، از بیان آن ناخرسند و ناراحت گردد. غیبت یکی از موارد نقض حریم خصوصی است. غالباً نقل عیوب و مطالب پوشیده و پنهان افراد موجب ناراحتی و تکدر خاطر آنان می‌گردد. مطالب پوشیده و پنهان معمولاً امور شخصی است که ورود به قلمرو آن به‌نوعی همراه با نقض حریم خصوصی است. در مجلس غیبت، اطلاعات محرمانه‌ای از شخص منتشر می‌شود که مورد رضایت غیبت‌شونده نیست. بنابراین ممانعت از نقل مطالب مربوط به دیگران به‌نوعی جلوگیری از ورود به قلمرو حریم خصوصی دیگران است.

در تعالیم دین مبین اسلام غیبت به عنوان یکی از بزرگ‌ترین گناهان و سخیف‌ترین اعمال شناسایی و مسلمانان از ارتکاب آن نهی گردیده‌اند. قرآن در آیه ۱۲ سوره حجرات، صراحتاً غیبت را منع نموده است: «...و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید...»^(۱۹) از دیدگاه قرآن کریم غیبت دیگران در واقع هتک حریم خصوصی و تعرض به عرض و آبروی غیبت‌شونده است، به‌ویژه آنکه این عمل نادرست و مذموم در غیاب شخص انجام می‌پذیرد، به نحوی که غیبت‌شونده امکان و فرصت دفاع در قبال تعرض به شخصیت و حریم معنوی خویش را ندارد. روایات متعددی از حضرات معصومین (علیهم‌السلام) در زمینه زشتی غیبت و منع از آن نقل گردیده است. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «غیبت بدتر از زنا است» سؤال شد چرا چنین است؟ فرمود: «زناکار توبه می‌کند و توبه‌اش مورد پذیرش خدا واقع می‌شود و غیبت‌کننده توبه می‌کند اما توبه‌اش قبول نمی‌شود، تا اینکه فردی که از او غیبت شده، غیبت‌کننده را حلال کند.»^(۲۰) (صدوق، ۱۳۸۶: ۵۷۷).

علی‌رغم اختلاف نظر فقها، تعریف مشهور بین آنان این است که: صحبت درباره هر آنچه در وجود شخصی وجود دارد و در صورت شنیدن آن ناراحت می‌شود، چه این صحبت در ارتباط با عیب و نقص در دین وی باشد، چه در ارتباط با خود شخص، بدن، نسب، اخلاق، کردار و گفتار او و هر آنچه که مربوط به آن شخص است (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۲۳). غیبت علاوه بر تخریب شخصیت انسان‌ها و تعرض به حریم خصوصی آنان، آثار مخربی در زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد و موجب تضعیف اعتماد عمومی، که بزرگ‌ترین سرمایه و عامل بالندگی جامعه می‌باشد، می‌گردد.

۴.۲. هنجارهای اخلاقی حریم خصوصی در فضای مجازی (مدیران و پردازشگران اطلاعات) مدیران عرصه مجازی کسانی هستند که تأسیس، پخش، تنظیم و چگونگی ارائه محتواهای اینترنتی در فضای مجازی را مدیریت می‌کنند. بسیاری از فضای‌های مجازی (اعم از دولتی یا خصوصی، آموزشی یا غیرآموزشی، تجاری یا غیرتجاری و...) به جهت استفاده کاربر از فضای مجازی آنها، اطلاعاتی را از مخاطب می‌خواهند تا در برابر آن، هم سرویس‌های مجازی خود را از دستبرد ایمن سازند و هم به جامعه آماری و نیز قدرت ارائه خدمات به کاربران خود دست یابند. در این بین ممکن است که کاربر اطلاعات محرمانه‌ای را به دست

چنین پایگاه‌هایی سپرده و خود را در معرض نمایش آنها قرار دهد. حتی یک اسم، تلفن، عکس و... در زمره موارد حریم خصوصی تلقی می‌شود که در حال حاضر جهت استفاده از امکانات و تسهیلات پایگاه مورد نظر می‌باید آن را در دسترس مدیران این شبکه‌های پیچیده قرار دهد. از دیدگاه اخلاق اسلامی می‌توان هنجارهایی را برای مدیران برشمرد:

۴.۲.۱. لزوم امانت‌داری و حفظ رازهای کاربران

از مسئولیت‌هایی که می‌توان برای مدیران شبکه‌های اینترنتی برشمرد، پایبندی آنها به تعهداتی است که این مدیران نسبت به کاربران خود خواهند داشت. مدیران در قبال آنچه از مشتری یا همان کاربر خود دریافت می‌کنند می‌باید به اموری نیز نسبت به آنها متعهد باشند. از جمله تعهد نسبت به اطلاعات فردی کاربران است. افراد هم در ابتدای ورود به فضاهای مختلف مجازی و هم در ادامه حضورشان اطلاعاتی را در اختیار گردانندگان آنها قرار می‌دهند که وظیفه آنها حفظ این اطلاعات است. به‌طور مثال وظیفه مدیران سایت‌های پزشکی در قبال اطلاعاتی که افراد در خصوص بیماری‌های خود ثبت می‌کنند حفظ این اطلاعات است. این مسئله فقط در خصوص مسائل پزشکی مطرح نیست و گردانندگان سایر سایت‌ها نیز موظفاند همچون یک پزشک، امانت‌دار کاربران خود باشند. امانت‌داری از صفات مورد تأکید اسلام است که هم در حوزه شخصی و به‌عنوان یک دستور اخلاقی مطرح است و هم برای خیانت در امانت اثر حقوقی و ضمانت‌اجرا در نظر گرفته شده است و فرد خائن را ضامن دانسته‌اند (بهجت‌فومنی، ۱۴۲۸: ۳۶۰). امام صادق (علیه‌السلام) فرموده است: «اگر کسی تو را امین دانست و امانتی به تو سپرد به وی باز ده و اگر کسی با تو خیانت ورزید، تو به او خیانت مکن.»^(۳۱) (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۴۹). فناوری‌های نوین این امکان را فراهم می‌کند تا افراد فضایی شخصی و خصوصی در فضای مجازی برای خود داشته باشند و بدین ترتیب خلوت جدیدی برای خود با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی ایجاد کنند. در این فضا پیام‌هایی بدون آگاهی دیگران رد و بدل می‌شود و قرار ملاقات‌هایی تنظیم می‌گردد و با استفاده از امکانات اینترنت مانند فیس‌بوک و اتاق‌های گفت‌وگو شبکه گسترده‌ای از روابط میان افراد شکل می‌گیرد که غیرقابل مهار است. همچنین فضای مجازی این فرصت را در اختیار انسان قرار می‌دهد که برخی از اسرار و اطلاعات خصوصی خود را در آنجا نگه دارد. اطلاعاتی چون نامه‌های الکترونیکی، پیام‌های خصوصی در وبلاگ، وب‌سایت‌ها و یا اتاق‌های گفتگوی خصوصی

امکاناتی هستند که فضای مجازی در اختیار هر کسی قرار می‌دهد تا به راحتی اسرار و مسائلی را که لازم نیست در اختیار همه باشند در آن قرار دهد. با این حال در برخی موارد کاربران دعوت شده و در همه موارد مدیران سرورهای سرویس دهنده، به این اطلاعات دسترسی دارند. اصل امانت‌داری در فضای سایبری ایجاب می‌کند تا این اطلاعات که برای صاحبان آن اسرار شخصی محسوب می‌شوند در اختیار دیگران قرار نگیرند و مدیران یادشده نهایت تلاش خود را باید برای ایمنی آن اطلاعات به کار گیرند.

در سطح کلان مدیریت فضای مجازی گاه اخباری منتشر می‌شود که یک سایت اینترنتی نظیر گوگل و یا یاهو اطلاعات مشترکان خود را به دلیل اصرار حکومت‌ها، در اختیار آنان قرار می‌دهد. نظیر منازعه‌ای که در چین میان گوگل و حاکمیت این کشور برای در اختیار قرار دادن اطلاعات صفحه ایمیل مشترکان، رخ داد.

مدیران آی.اس.پی‌ها به سهولت می‌توانند به سایت‌هایی که مشترکان آنان مراجعه کرده‌اند آگاهی داشته باشند. مراجعه به هر پایگاه اینترنتی حق آشکار یک کاربر اینترنتی است و البته می‌تواند برای او یک راز تلقی شود و حق اوست که نخواهد کسی بداند به کدام سایت و در چه ساعتی و چرا مراجعه کرده است. حال اگر مدیر یکی از این شرکت‌ها این راز را آشکار کند رفتاری کاملاً غیراخلاقی از خود نمایش داده است.

۴.۲.۲. ممنوعیت تجسس

تجسس در فارسی به معنای «خبر جستن» است و آنچه از تعریف‌های اهل لغت، فقها، علمای اخلاق و مفسران در مورد ماهیت تجسس برمی‌آید، این است که تجسس به تحقیق و تفحص در امور مخفی و پنهان افراد برای کشف لغزش‌ها و وجوه تاریک زندگی آنها گفته می‌شود؛ اموری که ذات و ماهیت آنها مخفی و غیرظاهر است. صاحب مجمع‌البحرین تجسس را تفتیش از باطن امور و تتبع و جست‌وجوی خبر تعریف کرده که بیشتر در مورد شر به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۶۱: ذیل واژه). تجسس و تلاش برای کشف عیوب اشخاص از موجبات مداخله در امور دیگران و نقض حریم خصوصی آنان است.

در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است: «بَا إِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا» طبق این آیه شریفه، خداوند متعال صریحاً از تجسس و کنجکاوی در امور مؤمنان و جست‌وجو و کشف اسرار و عیوب آنها نهی کرده است و از آنجا که متعلق

«و لاتجسسوا» در آیه، ذکر نشده است، به نظر می‌رسد می‌توان از آن استفاده اطلاق کرد و تجسس در امور دیگران را به طور مطلق حرام دانست، مگر اینکه با دلیل خاصی استثنا شده باشد یا تخصصاً از موضوع تجسس خارج باشد که این موارد، ذکر خواهد شد. همچنین در احادیث شیعه و اهل سنت نیز تجسس و تفتیش در امور خصوصی و پنهانی مؤمن، سخت نکوهش شده است. در کتاب‌های صحیح بخاری و مسلم از ابوهریره نقل شده که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «از بدگمانی نسبت به دیگران بپرهیزید، چرا که آن حرفی که بر پایه سوءظن و بدگمانی گفته شود، دروغ‌ترین سخنان است. در کارهای آشکار و پنهان مردم کنجاوی و تجسس نکنید و درباره همدیگر افشاگری نکنید...»^(۲۲) (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۵۴۱-۵۴۰) همچنین در حدیث دیگری از ایشان آمده است: «از عیوب و اسرار پنهانی مؤمنان جست‌وجو نکنید، چرا که هر کس از عیوب مردم تجسس کند، خداوند نیز از عیوب او تجسس می‌کند و هر کس خداوند از عیوبش تجسس کند مفتضح و بی‌آبرو خواهد شد، گرچه در گوشه خانه‌اش لغزشی کرده باشد.»^(۲۳) (برقی، ۱۳۷۱: ۱۰۴).

فضاهای مجازی اطلاعات مختلفی از افراد دریافت می‌نمایند که در دسترس مدیران و گردانندگان قرار می‌گیرد. در کنار هم قرار دادن این اطلاعات و واکاوی آنها زمینه تجسس در امور شخصی افراد را فراهم می‌سازد که انجام این عمل موجب نقض حریم خصوصی است. به طور مثال بررسی پیام‌های خصوصی افراد در پست‌های الکترونیکی یا سایت‌های اجتماعی تجسس در اطلاعات شخصی و موجب نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود.

۴.۲.۳. ممنوعیت بدگمانی به دیگران

مفهوم سوء ظن آن است که انسان با بی‌اعتمادی به ظاهر گفتار و عمل دیگران به آنان بدگمان باشد، بدون اینکه شک و بدگمانی او متکی به دلیل یا قرینه قابل‌قبولی باشد. در آیات قرآن کریم و سیره نبوی و سایر بزرگان دین، بدگمانی به دیگران به‌عنوان یکی از ریشه‌های اصلی تجسس و تفتیش در حریم خصوصی اشخاص دانسته شده و بر پرهیز و ریشه‌کن کردن این بیماری مهلک تأکید فراوان شده است. قرآن کریم مؤمنان را از گمان‌ورزی بسیار نسبت به دیگران نهی می‌کند و بسیاری از گمان‌ها را گناه می‌داند^(۲۴) و بدگمانی را آفتی بزرگ و موجب تباهی جامعه معرفی می‌نماید^(۲۵).

پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) انسان‌ها را به دوری از گمان توصیه

می‌کند و می‌فرماید: «بر شما باد اجتناب از ظن، همانا ظن کذب‌ترین سخن‌هاست.»^(۳۶) (محمدری‌شهری، ۱۳۸۴: ۲۹۳) حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «امر برادر (دینی) خود را بر بهترین وجه تعبیر کن، مگر آنکه خلاف آن بر تو اثبات شود. نسبت به سخن بدی که بر زبان برادرت جاری گردیده و تو می‌توانی محملی برای آن به‌صورت خیر بیابی سوءظن مبر.»^(۳۷) (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۲).

بی‌تردید اتکا به ظن و گمان موجب اخلال در ارتباط فردی و اجتماعی اشخاص می‌شود و تحقیر شخصیت انسان‌ها و تضعیف اعتماد میان افراد اجتماع را سبب می‌گردد و این امر با سیاست شریعت اسلام، که ارتقای اتحاد عمومی و تحکیم روابط افراد جامعه می‌باشد، در تناقض آشکار است. در واقع سوءظن خود ریشه و عاملی برای تجسس در امور دیگران است و لذا نهی از آن روشی برای پیشگیری از تجسس نیز می‌باشد.

ممنوعیت سوءظن مدیران و گردانندگان سایت‌ها و فضاهای مجازی نسبت به کاربران بدان معناست که باید اظهارات آنها را همان‌گونه که هست، بپذیرند. بنابراین اگر کسی در هنگام ثبت‌نام در سایت یا شبکه اجتماعی، اطلاعاتی از خود را ثبت نموده و یا موافقت خود را با مقررات و مرام‌نامه آنها اعلام می‌نماید اصل بر صحت اظهارات وی است.

۴.۲.۴. ممنوعیت استراق سمع و بصر

استراق سمع و بصر یکی از موارد تجسس است که به‌دلیل اهمیت آنها به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند. به‌طور کلی منظور از استراق سمع و بصر آن است که به‌طور پنهانی به پاییدن دیگری بپردازد و بدون اطلاع و رضایت او به صحبت‌ها و مطالب او گوش دهد و یا پنهانی او را تماشا کند. مفهوم «استراق سمع» گوش دادن به سخن دیگری به‌صورت پنهانی است که از دیدگاه شریعت اسلام ممنوع و حرام است و شخصی که مبادرت به کنترل مخفیانه مکالمات اشخاص نماید و از این طریق از اسرار آنان آگاهی حاصل کند، مرتکب تجسس در حریم خصوصی دیگران گردیده و مطابق نص صریح قرآن کریم، عمل او حرام و گناه است. در تعبیر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از استراق سمع آمده است: «برای هر عضوی از اعضای بدن آدمی سهمی از زناست... و زناى گوش انسان شنیدن سخن مخفیانه است...»^(۳۸) (محدث‌نوری، ۱۴۰۸: ۲۶۹).

همچنین «استراق بصر» نیز به‌مفهوم نگاه غیرمجاز و پنهانی به هر چیزی است که در قلمروی حریم خصوصی اشخاص قرار می‌گیرد، در حالی که صاحب حریم رضایت و

تمایلی به نظاره دیگری ندارد و به همین دلیل آن را به صورت علنی و آشکار در معرض نگاه دیگران قرار نداده است. در احکام شریعت اسلام استراق بصر به عنوان عملی مذموم و یکی از گناهان بزرگ دانسته شده و مسلمانان از انحراف چشم و نگاه دزدانه به حریم شخصی افراد منع گردیده‌اند.

قرآن کریم خیانت چشم را که یکی از اشکال و مصادیق بارز آن نگاه بدون اجازه به حریم خصوصی اشخاص است مورد نکوهش قرار داده است^(۲۹) و مسلمانان را به مراقبت و مهار چشم و نگاه خویش امر فرموده است^(۳۰) اهمیت و نقش مهم نگاه کردن در سلامت معنوی انسان تا بدان حد است که امیر مؤمنان علی (ع) چشم‌ها را کمین‌گاه‌های شیطان معرفی کرده، که افسارگسیختگی آن زمینه‌ساز انحراف انسان و تسلط شیطان را بر او فراهم می‌آورد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در خصوص نگاه کردن دزدانه و بی‌اجازه به مکاتبات اشخاص فرموده است: هر کس به نامه برادر دینی خود نگاه کند، مانند این است که به عورت خویش نظر افکنده است (قمی، ۱۳۶۳: ۳۸۹).

بر اساس فتوای فقها، دید زدن به خانه مردم و نگاه به نامحرم گناه است و صاحب‌خانه حق دارد سنگ یا چیزی به طرف او پرتاب کند و ضمانی هم بر او نیست، حتی اگر به درون خانه‌هایی دور، با ابزاری (مثل دوربین قوی) نگاه کند مثل آن است که از نزدیک نگاه کند (موسوی‌الخمينی، بی‌تا: ۴۹۲-۴۹۱). طبق احکام فقهی اگر کسی دو چشم دیگری را کور کند، دیه کامل یک انسان بر عهده او است که دیه یک چشم به قدر نصف دیه انسان است و دیه هر دو چشم برابر با یک دیه کامل می‌باشد. اما اگر کسی به خانه‌ها و عورت و اسرار و درون خانه مردم و به نوامیس دیگران نگاه خیانت‌کارانه و دزدانه کند و عملاً از این طریق موجب نقض حریم خصوصی آنان شود و در آن حالت به او لطمه بزنند و چشمانش آسیب ببینند، دیه ندارد. این بی‌ارزشی چشم خائن و نگاه ناپاک و به طریق اولی اهمیت حریم خصوصی را می‌رساند.

برخی از فقها با تأکید بر عدم جواز استراق سمع در پاسخ به استفتائاتی مبنی بر اینکه «آیا استفاده از وسایل استراق سمع برای تجسس و شنیدن مکالمه مردم، - مانند ضبط کردن مکالمه افرادی که کراهت از افشای آن دارند یا کنترل تلفن اشخاص - چه حکمی دارد؟» بیان داشته‌اند: «در غیر حال ضرورت منحصره نسبت به دفع مفسده مهم، جایز نیست.» (بهجت فومنی، ۱۴۲۸: ۲۲۲) در حقیقت اسلام با وضع حکم حرمت استراق سمع و بصر راه‌های نقض حریم خصوصی و ورود به خلوت دیگران را مسدود نموده است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شیوه تعامل انسان‌ها به یکدیگر همواره از شرایط اجتماعی تبعیت نموده است این شرایط در جامعه جهانی امروز با گسترش فناوری‌های نو به چالش کشیده شده است و امروزه بحث از اخلاق فناوری شکل جدی‌تری به خود گرفته و یکی از موارد بارز آن را در به‌خطر افتادن حریم خصوصی افراد می‌توان مشاهده کرد.

در مطالعات اخلاق فناوری و فضای مجازی استانداردهایی برای این عرصه تعریف شده است اما به‌دلیل نو بودن استفاده از فضای مجازی در روابط انسانی، به‌صورت جدی در سال ۲۰۰۳ بحث ارزش‌های جامعه اطلاعاتی، که به‌نوعی به اخلاق فضای مجازی می‌پرداخت، مطرح شد. در باب حریم خصوصی نیز تحقیقاتی انجام گرفته است، ولی این تحقیقات که حاصل توسعه به‌وجود آمده در دهه‌های اخیر است، در حوزه اخلاقی نبوده و خصوصاً از دیدگاه اسلامی به موضوع چندان پرداخته نشده است.

باید توجه داشت فناوری اطلاعات و به‌روز جهان شبکه‌ای، در حال تغییر بسیاری از مفاهیم، موجودیت‌ها، رفتارها و فعالیت‌های بشری است. این مفاهیم از اصول ثابت ارزشی تبعیت می‌کنند که در صورت حفظ ارزش‌های انسانی و اخلاقی در فضای مجازی، این فناوری می‌تواند در خدمت رشد و تعالی بشر قرار گیرد و در غیر این صورت انقلابی که این فناوری در روابط جهانی ایجاد کرده است قبل از هر چیز دامن اخلاق را خواهد گرفت و به معضلی بزرگ برای جامعه بشری بدل خواهد شد. لذا در این نوشتار ابتدا به مبانی حریم خصوصی در فضای مجازی پرداخته شد تا از این رهگذر روشن شود که از لحاظ مبانی تفاوتی میان حق حریم خصوصی در فضای مجازی و حقیقی وجود ندارد و سپس از منظر اخلاق اسلامی هنجارهایی که باید بر رفتار کاربران و مدیران حریم خصوصی در فضای مجازی حاکم باشد بررسی گردید.

حاکم‌بودن هنجارهای اخلاق اسلامی در فضای مجازی اولین گام در جهت صیانت از این حق در فضای مجازی خواهد بود و حمایت‌های حقوقی و قضایی نیز می‌تواند در گام‌های بعدی و به‌عنوان مکمل گام اول در حفظ حریم خصوصی افراد باشد، اما اگر این اصول به‌خوبی تبیین نگردد، صرف وجود قوانین حمایتی در زمینه حریم خصوصی کافی و مؤثر نخواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. انصاری، محمدباقر. (۱۳۸۶). حقوق حریم خصوصی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۳. انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵ هـ. ق). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴. برقی، ابوجعفر. (۱۳۷۱ هـ. ق). المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامیه. چاپ دوم.
۵. بهجت فومنی، محمدتقی. (۱۴۲۸ هـ. ق). استفتائات. قم: دفتر حضرت آیه الله بهجت.
۶. جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۸۴). پول شوی الکترونیکی. فصلنامه فقه و حقوق. شماره ۴.
۷. جمعی از مؤلفان. (۱۳۸۱). مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی. تهران: معاونت پژوهش و تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور. ریاست جمهوری.
۸. حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ هـ. ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۹. حسینی شیرازی، سیدمحمد. (۱۴۱۹ هـ. ق). الفقه - القانون. بیروت: مرکز الرسول الأعظم (ص) للتحقیق و النشر. چاپ دوم.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۱). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
۱۱. رحمانی زروندی، محمد. (۱۳۸۹). کرامت انسان در قرآن و روایات. نشریه کوثر معارف. شماره ۱۳.
۱۲. سیدرضی، ابوالحسن محمد. (بی تا). نهج البلاغه صبحی صالح. قم: دارالهیجره.
۱۳. صدوق، محمدبن علی (ابن بابویه). (۱۳۸۶ هـ. ق). علل الشرائع. قم: کتاب‌فروشی داوری.
۱۴. صدوق، محمدبن علی (ابن بابویه). (۱۴۱۳ هـ. ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.
۱۵. صدوق، محمدبن علی (ابن بابویه). (۱۳۸۲). الخصال. یعقوب جعفری. قم: نسیم کوثر.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.
۱۷. طلوعی اشلقی، عباس و اسماعیل کاوسی. (۱۳۸۵). اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در ۵ ناحیه محلی استرالیا. مؤسسه مطالعات توسعه فرهنگی.
۱۸. طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۸۷ هـ. ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المكتبه‌المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۱۹. قمی، عباس. (۱۳۶۳). سفینه‌البحار و مدینه‌الحکم و الآثار. تهران: فراهانی.
۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ هـ. ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه. چاپ چهارم.
۲۱. مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ هـ. ق). روضه‌المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه

- فرهنگی اسلامی کوشانپور. چاپ دوم.
۲۲. محدث‌نوری، میرزااحسین. (۱۴۰۸ هـ. ق.). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۳. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۴). *میزان‌الحکمه*. حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
۲۴. منتظری‌نجف‌آبادی، حسین‌علی. (۱۴۰۹ هـ. ق.). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه*. قم: نشر تفکر. چاپ دوم.
۲۵. منتظری‌نجف‌آبادی، حسین‌علی. (۱۴۲۹ هـ. ق.). *حکومت دینی و حقوق انسان*. قم: ارغوان دانش.
۲۶. موحد، محمدعلی. (۱۳۸۱). *در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)*. تهران: نشر کارنامه.
۲۷. موسوی‌خلخالی، سیدمحمد مهدی. (۱۴۲۷ هـ. ق.). *فقه‌الشیعه - کتاب‌الإجاره*. تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر.
۲۸. موسوی‌الخمینی، سیدروح‌الله. (بی‌تا). *تحریرالوسیله*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۲۹. موسوی‌الخمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۰. نمک‌دوست‌تهرانی، حسن. (۱۳۸۳). *حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و دموکراسی*. رسانه شماره ۵۹.
۳۱. نوبهار، رحیم. (۱۳۸۶). *حقوق کیفری و حوزه عمومی*. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده حقوق.
۳۲. هارلو، کارل. (۱۳۸۳). *شبه جرم*. کامبیز نوروزی. تهران: نشر میزان: چاپ اول.

33. Banisar, D. (2000). *Privacy and Human Rights, An International Survey of Privacy Laws and Developments, Electronic Privacy Information Center*. Washington D. C. 1st ed.
34. DeCew, J. (1997). *In Pursuit of Privacy: Law, Ethics, and the Rise of Technology*. Cornell University Press. London.
35. Goodkin, E. L. (2006). *Overview of Privacy*. in: <http://www.privacyinternational.org/article.html>
36. Gutwirth, S. (2002). *Privacy and the Information Age, Translated by Raf Casert*. USA: Rowman & Littlefield Publishers Inc.
37. Homiak, V. (2004). *Privacy of Communication-Ethics and Technology*. in: <http://www.idt.mdh.se>.
38. Between, M. (2002). The Fundamental Human Rights: An Islamic Perspective. *The International Journal of Human Rights*. vol. 6. No. 4. Spring. p. 2.
39. Parent, W. (1983). *Privacy, Morality, and the Law Philosophy and Public Affairs*. Princeton University Press. Vol 12. no. 4.
40. Reiman, J. (1979). *Privacy, Intimacy and Person Hood. Philosophy on Public Affairs*. No 1.

پی‌نوشت‌ها

۱. «لله عز و جل في بلاده خمس حرم حرمه رسول الله ص و حرمه آل رسول الله ص و حرمه كتاب الله عز و جل و حرمه كعبة الله و حرمه المؤمن.»
۲. «حرمة مال المسلم كحرمة دمه.»
۳. «... فَإِنَّ مِنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ.»
۴. «المؤمن أعظم حرمة من الكعبة.»
۵. «أروى عن العالم ع أنه وقف حيال الكعبة ثم قال ما أعظم حقك يا كعبة و والله إن حق المؤمن لأعظم من حقتك.»
۶. «...إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ حَرَامًا غَيْرَ مَجْهُولٍ، وَ أَحَلَّ حَلَالًا غَيْرَ مَدْخُولٍ وَ فَضَّلَ حَرَمَةَ الْمُسْلِمِ مِنَ الْحُرْمِ كُلِّهَا...»
۷. «و لقد كرمتنا بنى آدم و حملنا هم فى البر و البحر و رزقناهم من الطيبات و فضلنا هم على كثير ممن خلقنا تفضيلاً»
۸. «لقد خلقنا الانسان فى احسن تقويم»
۹. «الم تروا ان الله سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض و اسبع عليكم نعمه ظاهرة و باطنة»
۱۰. «...وَ اسْتَأذَى اللَّهُ سَبْحَانَهُ الْمَلَائِكَةَ وَ دَبِعْتَهُ لَدَيْهِمْ وَ عَهْدَ وَصِيَّتِهِ بِهِمْ. فِى الْاِذْعَانِ بِالسُّجُودِ لَهُ وَ الْخُشُوعِ لِتَكْرِمَتِهِ...»
۱۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ، لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ»
۱۲. «...وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَ اتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»
۱۳. «...وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ...»
۱۴. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»
۱۵. «مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنُهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.»
۱۶. «أَيُّهَا النَّاسُ، قَدْ آتَى لَكُمْ أَنْ تَنْتَهُوا عَنْ حُدُودِ اللَّهِ، مِنْ أَصَابِ مِنْ هَذِهِ الْقَاذِرَاتِ شَيْئًا فَلْيَسْتَبْرِئُوا بَسْتَرِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ مِنْ بَيِّدَ لَنَا صَفْحَتَهُ نَقَمَ عَلَيْهِ كِتَابُ اللَّهِ»
۱۷. «مَنْ سَتَرَ أَخَاهُ فِي فَاحِشَةٍ رَأَاهَا عَلَيْهِ سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»
۱۸. «مَنْ سَتَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ فَتَحِشَهُ فَكَانَ مِثْلَ مَنْ سَتَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ»
۱۹. «... وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمُ بَعْضًا يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مِثْلًا فَكَرِهْتُمُوهُ...»

۲۰. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزَّانَا فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَمْ ذَاكَ قَالَ صَاحِبُ الزَّانَا يَتُوبُ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ يَتُوبُ فَلَا يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَكُونَ صَاحِبُهُ الَّذِي اغْتَابَهُ بِحِلِّهِ»
۲۱. «مَنْ ائْتَمَنَكَ بِأَمَانَةٍ فَأَدَّهَا إِلَيْهِ وَ مَنْ خَانَكَ فَلَا تَخُنْهُ»
۲۲. «نُبِيتَ فِي الصَّحِيحِينَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ «ص» قَالَ: إِيَّاكُمْ وَ الظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ. وَ لَا تَحَسَّسُوا وَ لَا تَجَسَّسُوا...»
۲۳. «... لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ فَضَحَهُ وَ لَوْ فِي جُوفِ بَيْتِهِ»
۲۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ... (سوره حجرات، آیه ۱۲)
۲۵. وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوِيًّا وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا. (سوره فتح، آیه ۱۲)
۲۶. «إِيَّاكُمْ وَ الظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ.»
۲۷. «ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَطُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمَلًا.»
۲۸. «لِكُلِّ عَضْوٍ مِّنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِّنَ الزَّيْنِ فَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظْرُ وَ اللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ وَ الْأَذُنَانِ زِنَاهُمَا السَّمْعُ وَ الْيَدَانِ زِنَاهُمَا الْبَطْشُ وَ الرَّجْلَانِ زِنَاهُمَا الْمَشْيُ وَ الْفَرْجُ يَصْدُقُ ذَلِكَ كُلُّهُ وَ يُكْذِبُهُ»
۲۹. يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ. (سوره فاطر، آیه ۱۹)
۳۰. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ... (سوره نور، آيات ۳۰-۳۱)